

کتاب ایوب

جلسه ۱۶: گفتگوها، چرخه ۳، ایوب ۲۲-۲۷

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۶، گفتگوها، چرخه ۳، ایوب ۲۲-۲۷ است.

مقدمه‌ای بر چرخه گفتگو ۳ [۰۰:۴۶-۰۰:۲۶]

حالا آماده‌ایم تا وارد چرخه‌ی سوم گفتگوها شویم. چرخه‌ی سوم بسیار مختصرتر است، زیرا بیشتر استدلال‌ها به نوعی رو به اتمام هستند. در این چرخه، زوفر اصلاً صحبت نمی‌کند و بلد سخنانی بسیار کوتاهی دارد. بنابراین، محتوای کمتری در خود گفتگو داریم.

آیات دشوار: ایوب ۲:۲۲-۳ [۰۰:۴۶-۰۰:۳۲]

با این حال، ما چند آیه بسیار دشوار داریم که باید به آنهاپردازیم، بنابراین ابتدا به مسائل فنی می‌پردازیم و سعی می‌کنیم قبل از رفتن به سراغ خلاصه‌ها، آنها را مرتب کنیم. اولین مورد در فصل ۲۲، آیات ۲ و ۳ است. در اینجا این است: "آیا انسان می‌تواند برای خدا مفید باشد؟ آیا NIV ما در ابتدای این آخرین سخنرانی الیفاز هستیم. ترجمه حتی یک مرد خردمند می‌تواند به او سود برساند؟ اگر شما پارسا باشید، خداوند متعال چه لذتی خواهد برد؟ اگر "راه‌های شما بی‌عیب باشد، او چه سودی خواهد برد؟ من به ترجمه‌های مختلف و مفسران نگاه خواهم کرد که تفاوت زیادی در ترجمه نشان می‌دهند. بنابراین، چند مثال نورمن هابل می‌گوید: «آیا یک قهرمان می‌تواند ال را به خطر بیندازد؟ یا یک حکیم، آن کهن را به خطر بیندازد؟ آیا اگر شما درستکار باشید، لطفی به شدای است یا اگر راه‌هایتان را کامل کنید، سودی برای اوست؟» هارتلی ترجمه می‌کند: «آیا یک انسان می‌تواند برای خدا سودمند باشد که یک مرد خردمند با او هماهنگ باشد؟ اینکه شما بی‌گناه هستید چه مزیتی برای شدای دارد یا اینکه ادعا می‌کنید راه‌هایتان بی‌عیب و نقص است، چه سودی برای اوست؟» کلاین ترجمه می‌کند: «آیا یک انسان می‌تواند برای خدا سودمند باشد؟ آیا حتی یک حکیم می‌تواند به او سودی برساند؟ آیا اگر شما درستکار باشید، این برای قادر متعال سودمند است؟ آیا اگر رفتار شما بی‌عیب و نقص باشد، سودی می‌برد؟» می‌توانید ببینید که بین این ترجمه‌ها تفاوت زیادی وجود دارد. بر اساس چند نمونه دیگر از همین نوع نحو در کتاب ایوب. در این آیات نحو بسیار پیچیده‌ای وجود دارد. و بر اساس نحو آیات دیگری که دقیقاً به همین شکل شروع می‌شوند و ساختار را به همان شکل تنظیم می‌کنند. من پیشنهاد متفاوتی دارم. سه آیه‌ای که ساختار یکسانی دارند: ایوب ۷:۱۳، ایوب ۲۲:۲۱، و این یکی

ایوب ۲: ۲۲، من آن را اینگونه ترجمه می‌کنم: «آیا یک میانجی خردمند می‌تواند برای انسانی که از جانب خدا خدمت می‌کند، خیری برساند؟» این یک میانجی خردمند است که از جانب خدا خدمت می‌کند. «آیا چنین میانجی می‌تواند برای انسان سودی داشته باشد؟ آیا خدا وقتی خود را توجیه می‌کند، به تو پاسخ مثبت خواهد داد؟ آیا وقتی از راه‌های خود به طور کامل توضیح می‌دهی، سودی خواهی داشت؟» سپس می‌توانید ببینید که کمی متفاوت است که بیشتر آنها به عنوان "مرد" ترجمه شده‌اند، اگرچه هابل آن را به "gever" ایوب ۳۴: ۹ نشان می‌دهد که کلمه عنوان "قهرمان" ترجمه کرده است، ایوب ۳۴: ۹ نشان می‌دهد که باید مفعول باشد نه فاعل، و این واقعاً یکی از تفاوت‌های اصلی بین ترجمه من و دیگران است. من "میانجی خردمند" را به عنوان فاعل جمله اول قرار دادم، که هم در متن عبری و هم در بیشتر ترجمه‌ها در سطر دوم آمده است. اما باز هم maskil ترجمه کلمه عبری این آیات دیگری که به آنها اشاره کردم تا دلیلی برای اعمال آن حتی به عنوان فاعل سطر اول نشان دهم. من فعل □□ □□□□ به «انجام هرگونه خیری» ترجمه کرده‌ام. «آیا می‌تواند هیچ خیری برساند؟» و نگفته‌ام که خدا مفعول مستقیم یا غیرمستقیم است، مانند سود رساندن به خدا. من او را از نظر دستوری یک قدم جلوتر از عملی که از جانب خدا» است، حذف کرده‌ام. و باز هم، دلیلی برای انجام این کار بر اساس آیات دیگری که ذکر کردم» وجود دارد. تصمیمی که بر اساس دو مورد دیگر گرفته شده است به ما کمک می‌کند تا این آیه را مطابق با نحوه‌ی تنظیم نحو در جاهای دیگر کتاب ایوب ترجمه کنیم.

برخلاف سایر ترجمه‌ها که فعل سطر اول آیه ۳ را صرفاً به صورت «صالح بودن» یا «بی‌گناه بودن» ترجمه کرده‌اند، من آن را به صورت «توجیه کردن خود» بر اساس شواهد ایوب ۴۰ آیه ۸ ترجمه کرده‌ام، جایی که علاوه بر این، بارها در کتاب ایوب برای *sadak* فعل *qal* ایوب توسط خدا به تبرئه کردن خود متهم شد. شکل to ریشه Hiphil تبرئه استفاده شده است. به عنوان مثال، ۱۱.۲ و ۱۳.۸. در نهایت، آخرین فعل در ۲۲.۳، شکل کاملاً چالش برانگیز است. ترجمه‌های بالا آن را به صورت متغیر به عنوان یک صفت بیان می‌کنند *tamam* که به عنوان واقعیت «بی‌عیب بودن» یا به عنوان «ادعای بی‌عیب بودن» یا حتی به عنوان یک فعل «کامل کردن» است که فقط هشت بار تکرار می‌شود. ترجمه من از Hiphil راه‌های خود» بیان می‌شود. این یک شکل فعلی در گزارش کامل راه‌های خود را دادن» بر اساس این مشاهده است که در بسیاری از زمینه‌های دیگر، تقریباً «مربوط به پرداخت یا ارائه گزارش چیزی است. توجه داشته باشید، به خصوص دوم پادشاهان ۲۲: ۴. بنابراین دوباره، بر اساس تمام آن موقعیت‌های دستوری و نحوی، من آن را اینگونه ترجمه کرده‌ام: «آیا یک میانجی خردمند می‌تواند هیچ خیری داشته باشد؟» بگذارید دوباره این کار را انجام دهم: «آیا یک میانجی خردمند که از طرف خدا خدمت می‌کند، می‌تواند هیچ خیری برای انسان داشته باشد؟ آیا چنین میانجی می‌تواند هیچ سودی برای انسان داشته باشد؟ آیا خدا وقتی شما خودتان را توجیه می‌کنید، به شما پاسخ مثبت خواهد داد؟ آیا وقتی شما شرح

کاملی از راه‌های خود ارائه می‌دهید، سودی حاصل خواهد شد؟» این در چارچوب استدلال‌هایی که در کتاب مطرح شده است و همچنین با نوع نحو و استفاده از واژگانی که در جاهای دیگر می‌بینیم، بسیار منطقی است.

آیات دشوار: ایوب ۲۶:۷ [۱۳:۳۶-۶:۳۲]

آن این است: «او آسمان‌های شمالی را بر NIV آیه‌ای که می‌خواهم به آن توجه کنم، ایوب ۲۶:۷ است؛ ترجمه فراز فضای خالی گستراند، زمین را بر هیچ معلق کرد.» ارزش توجه کردن را دارد زیرا برخی از رهبران به آن عبارت آخر، «زمین را بر هیچ معلق کرد»، نگاه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که به نوعی در کتاب ایوب، آنها در مورد زمین می‌دانند، فقط نوعی معلق در مدار، که توسط جاذبه و نیروی گریز از مرکز و همه این چیزها نگه داشته شده است، که به نظر من تصور یا پیش‌بینی کتاب بسیار غیرمنطقی است. واقعاً با کلمه مطابقت ندارد. بنابراین، بیایید نگاهی سریع به آن بیندازیم.

در بخش اول این مصرع، «او آسمان‌های شمالی را می‌گستراند». کلمه معادل شمال، □□□□ □□□□ . این یک کلمه عبری نسبتاً رایج برای شمال است. اما به کوه زافون، کوه کنعانی که خدایان در آن ساکن بودند، نیز اشاره دارد. بنابراین، اهمیت آن نه در جهت‌گیری آن با نقاط قطب‌نما، بلکه در استفاده از آن به عنوان اشاره‌ای به کوه مقدسی است که در ادبیات خارج از اسرائیل شناخته شده است. حتی در اسرائیل، برخی از مزامیر نیز این کار را انجام می‌دهند. بنابراین، زافون در اینجا چیزی بیش از یک جهت است. اگر آن را به عنوان اشاره به کوه کیهانی درک کنیم، کوه کیهانی پایه‌های خود را در جهان زیرین و ارتفاعات خود را در آسمان‌ها دارد و شورای الهی در ارتفاعات آن تشکیل جلسه می‌دهد. این مکان ملاقات آسمان و زمین و محل گردهمایی خدایان و بنابراین محل سکونت آنها - بهشت - است. بنابراین، من زافون را به عنوان چنین اشاره‌ای در نظر می‌گیرم. فعل «او زافون را می‌گستراند» به معنای «گسترش می‌دهد» کلمه □□□□ □□□□ کلمه‌ای عبری که نشان می‌دهد او درباره آسمان‌ها صحبت می‌کند، زیرا این فعل معمولاً در متون کیهان‌شناسی کتاب مقدس، آسمان را به عنوان مفعول خود می‌گیرد.

حالا، او چیزی آسمانی، زافون، را بر فضای خالی می‌گستراند. کلمه "فضای خالی" □□□□ □□□□ . از پیدایش ۱:۲ معلوم است که □□□□ □□□□ "بی‌شکل و تهی" است، و هم در پیدایش ۲ و هم در بیش از ۳۰ مورد دیگری که از این کلمه پیدا می‌کنیم، به چیزی که وجود ندارد اشاره دارد به این معنا که نامنظم ۳۰، غیرعملکردی است. و بنابراین، این جهان نامنظم است. بنابراین، این ایده که خدا زافون آسمانی را بر □□□□ بر آنچه وجود ندارد، می‌گستراند. چیزی که معمولاً به عنوان نامرتب به آن اشاره می‌شود، آب‌های کیهانی است می‌دانم که ما فکر می‌کنیم وجود با ماده مرتبط است، اما در دنیای باستان اینطور نبود. آنها معتقد بودند که وجود با عملکرد و نظم مرتبط است. بنابراین، چیزی مادی که ما آن را مادی می‌دانیم نیز می‌تواند نامرتب باشد. آنها

اقیانوس‌ها را نامرتب می‌دانستند؛ آنها بیابان‌ها را نامرتب می‌دانستند زیرا در قلمرو انسانی منظم نشده بودند و ، برای آنها کار نمی‌کردند. بنابراین، در اینجا، این ایده که زافون بر فراز یک □□□□ گسترده شده است اشاره‌ای به آب‌های کیهانی بالا در آب‌های کیهانی ناموجود، غیرکاربردی و غیرمنظم بالای سر است که آسمان‌ها در واقع بر روی آنها گسترده شده‌اند، رجوع کنید به مز مور ۱۰۴:۲، ۳.

در سطر دوم موازی است. این *velema* در سطر اول با عبارت منحصر به فرد *Tohu* □□□□ به عنوان "هیچ" ترجمه می‌شود. این تنها جایی است که این کلمه در آن آمده NIV کلمه‌ای است که باز هم در است و البته این موضوع، آن را برای ما بسیار دشوار می‌کند. ما معمولاً معنی کلمات را با کاربرد آنها تعیین می‌کنیم. اگر مثال‌های دیگری از کاربرد نداشته باشیم، در تلاش برای درک معنی کلمه با مشکل مواجه می‌شویم. این ایده که فضای بی‌ماده آن، جایی که زمین معلق است، نابهنگام خواهد بود. هیچ کس در جهان باستان یا کتاب مقدس عبری چیزی در مورد چنین چیزهایی نمی‌داند. باز هم، با توجه به معنای مصری کلمه "عدم وجود"، به □□□ که به معنای "معلق *talah* چیزی اشاره دارد که فاقد عملکرد یا نظم است. فعل در این بند دوم، فعل "کردن" است. این فعل اغلب به نوعی اعدام، یعنی آویزان کردن کسی اشاره دارد. بهتر است به "معلق روی" ترجمه شود، زیرا کسی را روی تیرک یا چیزی شبیه به آن یا درخت آویزان می‌کردند. بهتر است به "معلق روی" ترجمه شود، نه "بالا".

حتی کلمه "زمین" در این جمله سرراست نیست. ما فکر می‌کنیم که این کلمه ساده‌ای است. اما در چند مورد، چه در کتاب مقدس عبری و چه از زبان‌های باستانی هم‌ریشه خاور نزدیک، به جهان زیرین نیز اشاره شده است باید اشاره‌ای به خود زمین نباشد، بلکه به جهان زیرین باشد. بنابراین ما هم *eretz* بنابراین در اینجا فکر می‌کنم □□ در سطر دوم داریم که عدم وجود را توصیف می‌کنند، که همان *belema* □□ در سطر اول و هم *tohu* آب‌های کیهانی است، که می‌دانیم آب‌های کیهانی را در بالا و آب‌های کیهانی را در پایین داریم. ما زافون را داریم که درباره قلمرو بالا صحبت می‌کند. و □□□□□□ □□ □□□□□□ که درباره قلمرو پایین صحبت می‌کند. بنابراین، برداشت من این خواهد بود: «بهشت بر فراز نیستی کیهانی گسترده شده است، زمین بر روی نیستی معلق است.» بنابراین، آب‌های بالا و آب‌های پایین را داریم.

این دو آیه‌ای که در موردشان صحبت کردیم، تنها نمونه‌هایی از مشکلاتی هستند که در کتاب ایوب با آنها مواجه هستیم. وقتی یک ترجمه انگلیسی را باز می‌کنیم، اغلب این ایده را داریم که به نوعی همه چیز حل شده و متن قابل فهم است. اما به ویژه در کتاب مقدس عبری، لزوماً اینطور نیست. هنوز کلمات زیادی وجود دارند که برای ما مشکل ایجاد می‌کنند، یا معانی آنها ناشناخته است، یا شاید معانی آنها به طور کلی شناخته شده است، اما درک کامل ظرافت‌های آنها در کلمات انگلیسی دشوار است. ما با مشکلات نحوی، به ویژه در متون شاعرانه، مواجه می‌شویم. و بنابراین، با مشکلات زیادی روبرو هستیم؛ مترجمان تمام تلاش خود را می‌کنند، مفسران سعی می‌کنند

، همه چیز را روشن کنند. می‌دانید، همه با هم کار می‌کنند تا به بهترین درک ممکن از متن برسند. کتاب ایوب همانطور که اشاره کردم، به ویژه دشوار است. و بنابراین، ما این مشکلات مانند دو موردی را که ذکر کردیم، پیدا می‌کنیم.

استراتژی بلاغی چرخه ۳ [۱۳:۵۳-۱۳:۳۶]

بنابراین، خوشبختانه، در سطح دیگری از درک، می‌توانیم به استراتژی بلاغی و مفهوم کلی چرخه، چرخه گفتگو، نگاه کنیم و ایده خوبی از آنچه در حال رخ دادن است، به دست آوریم، حتی اگر چند بیت هنوز برای ما مشکل‌ساز باشند.

چرخه ۳: واکنش الیفاز و ایوب [۱۶:۳۳-۱۳:۵۳]

بنابراین، بیایید استدلال‌های چرخه سوم را خلاصه کنیم. البتة الیفاز سخنران اصلی دوستان است. او اساساً ایده، تمام صحبت‌های شما در مورد میانجی را دارد؛ به یاد داشته باشید، ایوب قبلاً این موضوع را مطرح کرده است یک میانجی، مدافع، □□□□□□□□□□، تمام صحبت‌های شما در مورد میانجی و دادرسی پوچ است. این یک پرده دود است. خدا آشکارا از اعمال شرورانه و بی‌عدالتی شما آگاه است. شما آنچه را که شایسته آن هستید دریافت کرده‌اید. و من، به عنوان یک نفر، از این بابت خوشحالم. بهترین اقدام شما این است که شروع به گوش دادن کنید و بحث را متوقف کنید. وقتی این کار را کردید، فقط تمام مزایا و لطفی را که دوباره از آن بهره‌مند خواهید شد، تصور کنید. اکنون به تمرکز رایج الیفاز بر پس گرفتن وسایلتان توجه کنید. در اینجا، سخت است که هنوز او را دوست خود بدانید. اینها کلمات بسیار تنیدی هستند. او دیگر مهربان نیست؛ اگر تا به حال مهربان بوده باشد، دیگر با ایوب مهربان نیست. بنابراین، الیفاز در اتهامات خود عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود.

ایوب به ندرت به الیفاز فکر می‌کند تا جمله‌اش را خلاصه کند: کاش می‌توانستم خدا را پیدا کنم، در مورد اینکه آن چگونه خواهد بود خیال‌پردازی می‌کنم، اما ناامیدکننده است. من بی‌گناهم و او این را می‌داند. چه موقعیت وحشتناکی است که در آن قرار دارم. چرا خدا کاری برای این آشفتگی نمی‌کند؟ افراد ظالم هر کاری که می‌خواهند بدون هیچ گونه پاسخگویی انجام می‌دهند. افراد فقیری که سعی می‌کنند امرار معاش کنند، تحت ظلم و ستم بی‌حد و حصر آنها رنج می‌برند. جنایتکاران آزادانه به کار خود ادامه می‌دهند، اما من هنوز متقاعد شده‌ام که آینده‌ای برای چنین افرادی وجود ندارد. شرارت آنها سرانجام گریبانگیر خودشان خواهد شد. می‌بینید که ایوب هنوز به اصل مکافات پایبند است و هنوز سعی می‌کند دنیا را با اصل مکافات منطقی جلوه دهد اما او تشخیص می‌دهد که شرایط خودش، تجربیات خودش، واقعاً از این اصل به خوبی پشتیبانی نمی‌کنند. بنابراین

توصیه الیفاز، توبه کن، شفا پیدا کن و به حلقه سخنرانی برو. من این را کمی شوخی می‌گویم زیرا او اساساً این ایده را ارائه می‌دهد: سپس می‌توانید به همه بگویید که خدا چگونه در زندگی شما کار کرده است. پس به حلقه سخنرانی برو. پاسخ ایوب: به اطرافت نگاه کن. چه کسی می‌تواند به خودش فکر کند وقتی دنیا اینقدر ناهماهنگ است؟ بنابراین، تبادل الیفاز و ایوب اینگونه پیش می‌رود.

چرخه ۳: پاسخ بلدد و ایوب [۱۸:۰۴-۱۶:۳۳]

حالا، بلدد فقط برای چند آیه وارد می‌شود و اساساً حکمت اعصار را به یاد می‌آورد؛ این بلدد است. خدا به طرز غیرقابل تصویری بزرگ است. انسان‌ها ذاتاً نقص دارند و در نهایت به هر حال مهم نیستند. ممنون، بلدد پاسخ ایوب به بلدد: موضع شما نامعقول و کاملاً غیرقابل قبول است. شما به برقراری نظم توسط خدا اشاره کرده‌اید، اما هنوز عظمت کار خدا را درک نکرده‌اید. با این حال، با وجود تمام نظم‌هایی که او در کیهان برقرار کرده است، اینجاست که آیه ۲۶ وارد می‌شود؛ او چیزی جز بی‌نظمی به زندگی من نیاورده است. با این وجود، من از توصیه‌ای که همه شما ارائه داده‌اید پیروی خواهم کرد. متأسفم؛ بگذارید منظورم را درست برسانم. با این وجود من هرگز از توصیه‌ای که همه شما ارائه داده‌اید پیروی نخواهم کرد. عدالت من تنها چیزی است که دارم. تا آخر به آن پایبند خواهم ماند. شما دشمن من شده‌اید و بنابراین دشمن خدا هستید. بنابراین، همه ما می‌دانیم چه چیزی در انتظار شماست.

بنابراین، با تلفیق توصیه بلداد: با حقایقی که سنت بهتر می‌داند، روبرو شوید. پاسخ ایوب: قدرت عظیم خدا به کیهان نظم بخشیده است، اما نه به زندگی من. من قربانی خدا هستم و تو نیز خواهی بود. من اینجا ایستاده‌ام و تنها به عدالت خود پایبندم. تمرکز فلسفی و راه حل این مجموعه سخنرانی‌ها به این بستگی دارد که آیا ایوب به گناه، اعتراف خواهد کرد یا خیر. کل چرخه گفتگو در مورد همین بوده است. الیفاز اتهامات خود را توضیح می‌دهد، اتهاماتی که ایوب قاطعانه آنها را رد می‌کند.

بازگشت به اتهام چالشگر [۱۹:۲۴-۱۸:۰۴]

به یاد دارید که از ابتدای کتاب، چالش روی میز این بود که آیا ایوب رو در رو خدا را نفرین خواهد کرد؟ این سوال مطرح است که آیا عدالت بی‌غرضانه وجود دارد یا خیر. ما در مورد این ایده صحبت کرده‌ایم که ایوب باید صداقت خود را حفظ کند، صرف نظر از اینکه چه چیزهای دیگری در مورد خدا یا جهان درست یا غلط می‌گوید یا در مورد درک خود از موقعیت خود یا نحوه ارزیابی تجربیاتش، مهم نیست که هر یک از این موارد چگونه پیش می‌رود، تا زمانی که او صداقت خود را حفظ کند، اینکه عدالت او در مورد عدالت است، نه در مورد مزایا، اتهام چالشگر رد خواهد شد.

دوستان و همسر ایوب به یاد دارند که او چنین موضعی را اتخاذ کرده بود و ایوب را به این سمت سوق می‌داد که به جای پارسایی، به داشته‌هایش بها دهد. ایوب قاطعانه این طرز فکر را رد کرده است.

نتیجه‌گیری بخش گفتگو [۲۴:۱۹-۲۱:۰۲]

این یعنی ما واقعاً در فصل ۲۷: ۱ تا ۶ به یک نتیجه‌ی مهم می‌رسیم. اینها سخنان پایانی ایوب هستند و من فقط آن را خلاصه کردم، اما بیایید آن را بخوانیم زیرا واقعاً برای نحوه‌ی پایان بخش گفتگو مهم است. من در واقع از ۲۷ شروع می‌کنم: «به حیات خدا سوگند، که عدالت را از من دریغ کرده است، به قادر مطلق، که زندگی مرا تلخ کرده است، تا زمانی که در درونم زندگی دارم، و نفس خدا در بینی‌ام، لب‌هایم سخن بد نخواهند گفت، و زبانم دروغ نخواهد گفت.» لحظه‌ای مکث کنید؛ او در مورد چه دروغ‌هایی صحبت می‌کند؟ دروغ‌هایی که او در مورد آنها صحبت می‌کند اگر او موافقت می‌کرد که گناه کرده است، اگر به گناهی که باور نداشت مرتکب شده است اعتراف می‌کرد، آشکار می‌شدند.

بنابراین، من دروغ نخواهم گفت. «هرگز اعتراف نخواهم کرد که تو بر حق هستی؛ تا زمانی که بمیرم، صداقت خود را انکار نخواهم کرد.» باز هم، این صداقتی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم چیست؟ آیه بعدی. «من بی‌گناهی خود را حفظ خواهم کرد و هرگز آن را رها نخواهم کرد. وجدانم تا زمانی که زنده هستم مرا سرزنش نخواهد کرد.» ایوب به بی‌گناهی خود پایبند است، یعنی اینکه او کاری نکرده که سزاوار این باشد، که او عادل است، و همه چیز در مورد همین است، نه این چیزها. این صداقت اوست.

پرونده‌ی مدعی تمام شد: ایوب بی‌گناهی خود را حفظ کرد [۲۱:۴۳-۲۱:۰۲]

این سخنرانی، و این آخرین نکته در بخش گفتگو، به بررسی ادعای چالشگر می‌پردازد. در این مرحله، پرونده چالشگر تمام شده و اشتباه او ثابت شده است. ایوب بی‌گناهی خود را تحت شدیدترین حملات حفظ کرده و درستکاری خود را حفظ کرده است، اگرچه در طول مسیر تفکر اشتباه زیادی از خود نشان داده است؛ به یاد داشته باشید، ایوب درست نمی‌گوید. او دیدگاه درستی در مورد خدا ارائه نمی‌دهد، اما صداقت خود را حفظ می‌کند.

جدایی از دوستان [۲۲:۱۷-۲۱:۴۳]

او نصیحت دوستش را رد می‌کند. او از پذیرفتن هرگونه پیشنهادی مبنی بر گناه کردن، برای بازگرداندن رفاه خود امتناع می‌کند. بنابراین، در این مرحله، به یک مقطع مهم در کتاب رسیده‌ایم. چرخه گفتگو به پایان رسیده و بحث چالشگر کنار گذاشته شده است. دوستان دیگر هم هستند. آنها واقعاً در بخش دوم کتاب تا پایان، جایی که دوباره از آنها نام برده می‌شود، نقشی ندارند.

گذار به بخش گفتمان [۲۲:۴۹-۲۲:۱۷]

اینجاست که به بخش گفتمان وارد می‌شویم، جایی که اتهام ایوب مطرح می‌شود. آیا رنج کشیدن افراد درستکار سیاست خوبی است؟ اما قبل از آن، به سراغ بخش «سرود حکمت» در فصل ۲۸ می‌رویم و در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۶، گفتگوها، چرخه ۳، ایوب ۲۲-۲۷ است. [۲۲:۴۹]